

تئاتر، بهترین محمل برای بیان موضوعات اجتماعی

الهام ظریفیان



این روزها شاهد اجرای تئاتر «آدم کش» به نویسندگی و کارگردانی آرش خیرآبادی روی صحنه تماشاخانه «شمایل» هستیم. این تئاتر با مضمونی اجتماعی داستان گسست انسان هایی را روایت می کند که در جریان اشتراک زندگی، به بن بست هایی نامرئی و ناشناخته می خورند. تئاتر اجتماعی گونه ای تأثیرگذار از هنرهای نمایشی است که برخی صاحب نظران بر افول آن در جامعه ایران در دهه های گذشته تأکید دارند. اینکه بیشتر کارگردان های آوانگارد شکل دیگری از اجرا را دوست دارند یا ترجیح می دهند جهان دیگر و شخصی خود را از تئاتر بیافرینند، ازجمله استدلال هایی است که در این دیدگاه مطرح می شود. نچرخیدن چرخ اقتصاد تئاتر به دلایل مختلف ازجمله حمایت نکردن مسئولانی که هنوز به نقش فرهنگ ساز تئاتر باور پیدا نکرده اند، هم دلیل دیگری شده است تا بسیاری از کارگردانان توجهشان را به کیشه معطوف کنند و سراغ تئاترهای کمدی و موزیکال بروند که با استقبال مخاطب روبه رومی شوند. به بهانه اجرای تئاتر «آدم کش» دقایقی پای صحبت های نویسنده، منتقد، نمایشنامه نویس، شاعر و مدرس شناخته شده تئاتر مشهد نستیم. او پیش از این رئیس انجمن هنرهای نمایشی خراسان رضوی هم بوده است.



اگر می بینید که شهری تئاتر نازل دارد، این محصول فرهنگ آن جامعه است، هرچه آن جامعه فرهیخته تر باشد، تئاتر غنی تر می هم دارد. از طرف دیگر اگر در شکل اجرایی تئاتر بتوانیم وضعیت جدیدی را رقم بزنیم و بچه ها از آن قواره و شکل کهنه ای که بر اجراهای تئاتر تسلط پیدا کرده است، بیرون بیایند، اتفاقا مخاطب استقبال می کند

● چه شد که موضوعی اجتماعی را انتخاب کردید؟ ایده آن از کجا به ذهنتان رسید؟

همه ما در وضعی داریم زندگی می کنیم که تقریباً به صورت ماهانه خبر طلاق و این و آن را می شنویم. اخبار طلاق و جدایی زن و شوهرهایی که حتی تازه با هم ازدواج کرده اند خیلی دوروبر ما زیاد است. من به اندازه فهم و درک خودم از موضوعات اجتماعی خواستم به مقوله طلاق به عنوان یک معضل اجتماعی نگاهی بیندازم؛ معضلی که ما در آن به مفهوم واقعی کلمه گرفتار

شده ایم. «آدم کش» در زائر ترازوی و ملودرام محسوب می شود و موضوعش بررسی روابط اجتماعی در خانواده است، به ویژه رابطه بین زن و شوهر. سوزه این تئاتر نیز از خلال گفت وگوهایی که آدم های مختلف در مقاطع

متعدد درباره زندگی و دلایل جدایی شان داشتند به ذهن من رسید.

● کارهای فرهنگی مانند تئاتر چقدر می توانند در مسئله آسیب های اجتماعی کمک کننده باشند؟ در اینکه راه حل ها را نشان دهند و مناسبات بین افراد را بهبود ببخشند.

به نظرم مهم ترین کارکرد تئاتر همین بررسی روابط اجتماعی است. چون اگر اغراق نباشد، تئاتر انسانی ترین و مستقیم ترین نوع هنر است؛ زیرا رابطه انسان و انسان را شکل می دهد. سینما رابطه بین تصویر و انسان و موسیقی رابطه بین صدای ساز و انسان است. ولی در تئاتر انسان و انسان روبه روی هم قرار می گیرند و یک انسان روایتی را برای دیگری حکایت می کند. در تئاتر ما با انسانی ترین هنر بشری حرفمان را می زنیم. طبیعی است که وقتی می خواهیم درباره موضوعاتی مانند طلاق، فقر، فساد و موضوعاتی که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی قرار می گیرند، حرف بزنیم، بهترین محمل تئاتر خواهد بود. من تئاتر را از این منظر نگاه می کنم. تئاتر برای من یک تریبون است که با آن می توانم با آدم ها درباره موضوعی حرف بزنم. البته من معتقد نیستم که تئاتر قرار است راه حل نشان دهد. هیچ هنری به عقیده من قرار نیست راه حلی نشان بدهد. ولی هنر می تواند طرح موضوع کند. یعنی گیرنده های مخاطبان را به موضوعی مانند طلاق حساس کند. من در جریان تمرینات این تئاتر بارها از آدم هایی که تماشاگر نمایش بودند، می شنیدم که خیلی تأثیر گرفته اند. می گفتند بعضی دیالوگ ها و صحنه ها برایشان خیلی جالب بوده است. این برای یک اثر هنری کافی است. چه چیزی بهتر از اینکه یک اثر هنری قادر به تأثیرگذاری بر مخاطبانش باشد؟

● یعنی از جنبه تئاتردرمانی باید به «آدم کش» نگاه کرد؟

گفتم که من در تئاتر به دنبال جواب نیستم. تئاتردرمانی و آنچه با عنوان سایکودرام می شناسیم، وجه دیگری از تئاتر است که من در آن زمینه کار نکرده ام. من فقط در زمینه درام کار کرده ام. درست است که موضوع ما روان شناسانه است، ولی تئاتردرمانی نیست.

● شما یک موضوع اجتماعی را برای تئاترتان انتخاب کرده اید، درحالی که می توان وقت مخاطبان از تئاترهای طنز و

کمدی بیشتر استقبال می کنند. از این نظر این انتخاب، شما را با چالش هایی روبه رو خواهد کرد؟

صادقانه بخواهم بگویم، برای من درآمد تئاتر اصلاً مهم نیست. من به اندازه کافی برای خودم درآمد دارم و نیازمند اقتصاد تئاتر نیستم. با اینکه به شدت معتقدم که تئاتر باید یک اقتصاد قوی و خوب داشته باشد. نیازمند اقتصاد تئاتر نیستم. برای امثال من این فرصت وجود دارد که حرفشان را به شکلی که دلشان می خواهد بزنند. بدون اینکه بترسند از اینکه اقتصاد تئاتر برایشان چه آینده ای را رقم خواهد زد. از یک طرف خوشبینانه من با تهیه کننده ای آشنا شدم که او نیز دغدغه فرهنگی داشت و بنایش بر سود و اضافه کردن سرمایه اش نبود. مادونفر به این نتیجه رسیدیم که یک موضوع اجتماعی را در قالبی نو ارائه بدهیم و بسنجیم که آیا مخاطب این ساختار اجرایی جدید را می پذیرد یا نه. عقیده خودم این است که می پذیرد. اما این را که دیگران دنبال کارهای طنز و موزیکال سبک می روند، من واقعا تخطئه نمی کنم. به خاطر اینکه اوضاع اقتصادی ما را مجبور کرده است که به سمت گیشه برویم. چون اگر غیر از این باشد، اقتصاد تئاتر می خوابد و هنرمند را زمین می زند. در نتیجه هنرمند چاره ای ندارد.

● بنابراین فکر می کنید که لزوماً تئاتر اجتماعی نمی تواند جنبه های اقتصادی داشته باشد یا به نوعی پول ساز باشد؟ اتفاقاً تئاتر اجتماعی می تواند اقتصادی پویا داشته باشد. به طور کلی تئاتر، اجتماعی است. تئاتر بیرون از اجتماع نیست، بلکه برآمده از اجتماع است. یعنی گشتاور آرای یک اجتماع. از منصفه های ظهور تئاتر است. اگر می بینید که شهری تئاتر نازل دارد، این محصول فرهنگ آن جامعه است.

هرچه آن جامعه فرهیخته تر باشد، تئاتر غنی تر می باشد. از طرف دیگر اگر در شکل اجرایی تئاتر بتوانیم وضعیت جدیدی را رقم بزنیم و بچه ها از آن قواره و شکل کهنه ای که بر اجراهای تئاتر تسلط پیدا کرده است، بیرون بیایند، اتفاقاً مخاطب استقبال می کند. واقعیت این است که اجراها تا حدی از مصادفاده و کهنه شده اند. باید بتوانیم شکلی جدید ارائه کنیم. من از لحاظ شکل شناسی و ریخت شناسی (مورفولوژی) دارم می گویم. از نظر زیبایی شناسانه باید به سمت تصاویری برویم که مخاطب بپسندد. اگر می بینید مخاطب رغبتی به موضوعات اجتماعی ندارد، به این دلیل است که ما در قالب بندی داریم تئاترمان را به او ارائه می دهیم. اگر یک قالب شکلی و قشنگ باشد، چرا که نه؟ اتفاقاً می پسندد.

● آقای خیرآبادی! در تئاتر مشهد خیلی شاهد هستیم که نمایشنامه نویس ها متن هایشان را به کارگردان های غیرمشهدی برای اجرا می سپارند. از آن طرف کارگردان های مشهدی یا اغلب از متن های خارجی استفاده می کنند یا خودشان نمایشنامه می نویسند یا اینکه یک گروه هستند که همیشه با هم کار می کنند. به نظرتان این وضع حاکی از فضای بی اعتمادی بین این دو دسته از هنرمندان مشهدی است یا دلایل اقتصادی دارد؟

هیچ کدام از این ها نیست. به نظرم ما ریسک پذیر نیستیم. وقتی با یک گروه کار می کنیم و جواب خوب یا راضی کننده ای از نظر خودمان می گیریم، تصویرمان این است که اگر بخواهیم با گروه دیگری کار کنیم، ریسک کرده ایم. بنابراین، شروع می کنیم به چرخیدن و چرخیدن در همان گردونه ای که با آن به جواب رسیده ایم. این می شود که سراغ آدم ها، متن ها و ایده های جدید نمی رویم. از طرفی، مادر فرهنگی زندگی می کنیم که به نظرم غریبه ها داناتر و بهتر هستند. با خودمان اصلاً فکر نمی کنیم چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. ما بهترین نویسنده ها، کارگردانان و بازیگرها را در خراسان داریم. نیازی نیست که سراغ دیگران برویم، مگر در موقعیت های خیلی خاص مانند متن هایی که رویدادش در اقلیم ایران نمی گذرد. تا زمانی که درباره فرهنگ و اقلیم



فانی رشتاد، آدم کش، آرش خیرآبادی

خودمان صحبت می کنیم. طبیعی است که بهتر است سراغ نویسنده هایی که در این سرزمین قلم می زنند برویم.

● و در آخر، مهم ترین مشکلات تئاتر مشهد را در چه مواردی می دانید؟

تئاتر مشهد مشکلات زیادی دارد که من آن ها را به دو دسته تقسیم می کنم. دسته اول مشکلات سخت افزاری هستند. در شهری که ادعا می کند قطب دوم تئاتر ایران است، یک سالن درست برای اجرا نداریم. دسته دوم مشکلات نرم افزاری اند. بزرگ ترین مشکل نرم افزاری، آموزش است.

ما آموزش به مفهوم واقعی کلمه و به مفهوم آکادمیک یا شبه آکادمیک آن در خراسان نداریم. انگار نوعی جبهه در هنرجویان تئاتر وجود دارد که فکر می کنند اگر دنبال آموزش بروند، کسر شأنشان است. همین دو فقره را کنار هم بگذارید، می بینید به خودی خود می توانند تئاتر را از بنیاد نابود کند. در نهایت اما من روزهای خیلی خوبی را برای تئاتر مشهد آرزو می کنم و امیدوارم هرچه زودتر بتوانیم از پس مشکلاتی که اکنون از نظر سخت افزاری و نرم افزاری داریم تئاترمان شده است، بر بیاییم. مطمئناً روزهای خوش تئاتر خراسان دوباره برمی گردد.

اولین دوره

تقدیر از فرزندان ممتاز

خانواده بزرگ فرش پرشین مشهد

فرش پرشین مشهد

MASHHAD PERSIAN CARPET

SINCE 1984

پارانا سادات رشتاد	آوینا سافرچی	سینا رشتاد	زهرا موصوم هزانی	محیا حسینی مقدم	امیررضا گلشن حسن آباد	ماتده حسن پور شاکر	زهرا پسیری	پیار کسرائی	زینب موصوم هزانی	ساجده ایزدپناه	پایه چهارم ابتدایی
پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی	پایه سوم ابتدایی
امیرعلی داود زاده	فاطمه جلالی مقدم	سیده یاروش هاشمی	حمدا کدخدای	ابوالفضل حسینیان	مینا هوشنگی	مریم خورشیدی	پاسمن شیخی	محمد مبین کسرائی	علی شمعالی باجگیران	آرناویر کسرائی درآید	پایه هفتم متوسطه
پایه چهارم ابتدایی	پایه پنجم ابتدایی	پایه پنجم ابتدایی	پایه پنجم ابتدایی	پایه ششم ابتدایی	پایه ششم ابتدایی	پایه ششم ابتدایی	پایه ششم ابتدایی	پایه ششم ابتدایی	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه
پاسمن برسلانی	رها ملکی	هستی برانی	ایلیا حداد	محمدپاسمن علی آبادی	محمد امین سلیمانی	محمد مهدی بهنام	هستی بلندی	امیر حسین عزیزی	امیر حسین صادقیان فرد	محمد پسیری	پایه نهم متوسطه
پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه	پایه هفتم متوسطه
فاطمه مرزانی	فرزانه اکبری	ارشیا جلالیان	سارا میانی زاده	دانشجو کامیونر	دانشجو کامیونر	دانشجو کامیونر	دانشجو کامیونر	دانشجو کامیونر	دانشجو کامیونر	دانشجو کامیونر	دانشجو کامیونر
پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه	پایه یازدهم متوسطه

www.mashhadpersiancarpet.com

farsh.persiancarpet.mashhad

بهشت زیرپا شمایست

درخت تو کبر بادش بگیرد